

طهارت اهل کتاب از دیدگاه فقهای امامیه

علی اکبر سالارکیا*

چکیده

اجماع فقهای متقدم شیعه بر این است که اهل کتاب نجس هستند و برخلاف آن اجماع عامه می‌باشد که ناظر به طهارت اهل کتاب است. در این میان اقوالی بین فقهای شیعه مطرح شده که برخی قائل به طهارت و برخی قائل به نجاست شده‌اند. لکن چنانچه از روند ادله قائلین به نجاست برمی‌آید مطالب خود را ذیل اجماع توضیح و توجیه می‌کنند و این اجماع به قدری قوی است که برخی از فقهای شیعه قائل به شعار بودن نجاست اهل کتاب شده‌اند. برخی از فقهای شیعه از این اجماع قصد عدول داشتند لکن احتیاط کردند و ناظر به همین امر می‌توان دریافت که اجماع کاشفیت از قول معصوم نداشته و به عنوان دلیل مجزا برای نجاست اهل کتاب کفایت نمی‌کند. و از آنجایی که اصلی‌ترین دلیل قائلین به نجاست اجماع می‌باشد و کاشفیت اش اثبات نشد، بنابراین چون ادله اجتهادی نیست لذا به سراغ اصول عملیه رفته و اصل براءة در این مسأله جاری می‌شود.

واژگان کلیدی: یهودی، مسیحی، مجوس، اهل کتاب، سؤر کافر

* طلبه پایه چهارم مدرسه علمیه شهیدین علیهم‌السلام، تاریخ نگارش: بهار ۱۴۰۱.



۱. مقدمه

انسان مدنی بالطبع یا مدنی بالاضطرار هست، تعاملات انسان گاه در بلد خود ختم می‌شود گاه فراتر رفته به این معنا که باید از بلد خود هجرت کند و ممکن است به کشورهای غیر اسلامی اعم از کشورهایی که افرادی که در آن‌ها یهودی و مسیحی و... زندگی می‌کنند سفر کند. خب در چنین شرایطی باید یک مسلمان نسبت به وضعیت تعاملی اش با غیر مسلمان آگاهی کافی را کسب کند که آیا همانطور که با مسلمانان رفت و آمد داشت و گفت و گو داشت با غیر مسلمانان نیز همانطور باشد اعم از مباحثی مثل ازدواج و خرید و فروش و هم غذا شدن و... اینجا یکی از مواضعی است که اهمیت دانستن مسئله طهارت یا نجاست اهل کتاب مطرح می‌شود. حال اگر قائل به مبنای نجاست اهل کتاب شدیم به تبع آن هم غذا شدن با آنان و استفاده از سؤر ایشان مشکل دارد و اگر قائل به طهارت شدیم مانند مسلمانان می‌توانیم با آن‌ها تعامل داشته باشیم. بنابراین با بررسی ادله می‌توانیم مبنای خود را مشخص کنیم.

۲. مفهوم شناسی

۲.۱. طهارت

شیخ طوسی در کتاب المبسوط شان و مروج در کتاب اصطلاحات فقهی می‌فرماید: طهارت در لغت به معنای نظافت است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۴۰۰؛ مروج، حسین، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۳۴) لکن تفاوتی بین طهارت و نظافت هست، در این باره ابو هلال عسکری چنین می‌گوید: نظافت فقط در مسائل مادی کاربرد دارد که واژه متضاد آن «دنس» یعنی آلودگی ظاهری است. اما طهارت علاوه بر موضوعات مادی در امور معنوی نیز کاربرد دارد و متضاد آن «عیب» هست همانطور که عیب به ظاهر محدود نمی‌شود و علاوه بر عیوب ظاهری و مادی، عیب‌های باطنی نیز هست، طهارت نیز اعم از طهارت ظاهر و باطن است. مثال برای طهارت معنوی: فلان طاهر الأخلاق. مثال برای طهارت مادی: هو طاهر الثوب و الجسد. اما مثال برای نظافت: «هو نظیف الصورة». (ابو هلال عسکری، بی تا، ص ۲۵۹)

اما شهید ثانی در روض الجنان چه بسا کامل تر معنا را بیان می‌کنند چراکه فرمودند: طهارت در لغت به معنای نظافت و نزاهت است. یعنی گو اینکه با او و مفسره سعی در بیان معنای طهارت به شکل اعم از نظافت دارند. (شهید ثانی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۴۷)



۲.۲. نجس (نجاست)

به لحاظ لغوی راغب اصفهانی می‌گوید نجاست یعنی قذارة که انواعی را برای نجس (نجاست) بیان می‌کند. (۱) نجاست مادی (۲) نجاست معنوی. و در ضمن مثال برای نجاست معنوی به آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» استناد می‌کند. (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۷۹۱) صاحب مقایس اللغة نیز می‌گوید، خلاف طهارت را نجاست گویند. (ابن فارس، بی تا، ج ۵، ص ۳۹۳)

در اصطلاح به چیزی نجس می‌گویند که طاهر نباشد. که دو نوع دارد: (۱) ذاتا نجس است که به این دسته عین نجاست نیز گفته می‌شود. (۲) عارضا نجس است. به این معنا که عین نجاست نیست بلکه در اثر تماس با نجاستی (اعم از عین نجاست یا غیر عین) نجس شده است. و احکامی دارد از جمله اینکه چیزی که نجس است خوردنش حرام است.

۲.۳. اهل کتاب

اهل کتاب کسانی هستند که حقیقت را کتمان کردند بنابراین بالاتفاق تمامی اهل کتاب کافر هستند. و به طور کلی هر کسی در مقابل اسلام قرار گرفته باشد کافر است. (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۶۶۴) و به نوعی مشرک هستند چراکه کسی که دینش با آیین ابراهیمی و توحیدی مغایرت داشته باشد مشرک است. که مشرکین را به چند دسته تقسیم کرده‌اند.

در یک تقسیم بندی کلی شیخ طوسی، مشرکان را در سه دسته طبقه بندی کرده‌اند: (۱) اهل کتاب (۲) لا کتاب له و لا شبهة کتاب (گروهی که نه کتابی دارند و نه شبهه‌ای هست که کتابی داشته باشند) (۳) من له شبهة کتاب (گروهی که شبهه این هست که کتابی داشته باشند). (شیخ

طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۰۹)

آنچه که محل بحث است اهل کتاب و من له شبهة کتاب هست یعنی دسته اول و سوم. که دسته اول و سوم به نام‌های اهل کتاب قطعی و اهل کتاب غیر قطعی نام گذاری شده‌اند.

در کتاب فرهنگ فقه آمده، منشأ اطلاق عنوان اهل کتاب به گروه‌های یهودی و مسیحی و زردشتی، کتاب و سنت است. اهل کتاب به حربی (اهل حرب) و ذمی (اهل ذمه، یعنی؛ اهل کتابی که متعهد هستند به شرایط ذمه) تقسیم می‌شوند. (هاشمی شاهروی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۷۳۶)



۲.۳.۱. اهل کتابِ قطعی

ممکن است برای شخصی سؤال شود که چرا در بحث اهل کتاب از مسلمانان مطالبی به میان نیامده؟ در پاسخ باید چنین عرض کنیم که درست است که به نوعی مسلمانان نیز از این جهت که کتاب دارند و کتابشان قرآن هست نیز اهل کتاب محسوب می‌شوند اما آنچه از اهل کتاب مراد ماست بالمعنی الأخص هست، به این معنا که هنگامی که یک مسلمان صحبت از اهل کتاب می‌کند مقصودش هر کتابی‌ای غیر خودش هست بنابراین در معنای عام اهل کتاب، مسلمانان هم اهل کتاب هستند اما آنچه مراد فقها از اهل کتاب در کتب فقهی شان هست هر کتابی‌ای غیر از مسلمان منظور است. لذا همانطور که شیخ طوسی در المبسوط شان بیان فرمودند، اهل کتاب (بالمعنی الأخص) عبارتند از؛ یهودیان که کتابشان تورات است و پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام و مسیحیان که کتابشان انجیل است و پیامبرشان حضرت عیسی علیه السلام. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۰۹) برای اثبات این امر شاهدهایی از قرآن آورده شده:

خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران آیه سوم چنین می‌فرماید:

﴿نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾؛ «این کتاب را که

تصدیق‌کننده کتابهای پیش از آن است به حق بر تو نازل کرد، و قبل از آن تورات را و انجیل را.»

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ

وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾؛ «و از پی آنها عیسی پسر مریم را فرستادیم

که تصدیق‌کننده توراتی بود که پیش از او فرستاده بودیم و انجیل را که تصدیق‌کننده تورات پیش

از او بود به او دادیم که در آن هدایت و روشنایی بود و برای پرهیزگاران هدایت و موعظه‌ای.»

و آیات متعددی در قرآن کریم هستند که دال بر الهی بودن کتاب و پیامبر قوم یهود و مسیح

هستند بنابراین هیچ شک و شبهه‌ای در اهل کتاب بودن مسیحی‌ها و یهودی‌ها نیست. اما اکنون

باید بحث شود از کسانی که مسلم نیست که اهل کتاب باشند.

۲.۳.۲. اهل کتاب غیر قطعی

شیخ طوسی در المبسوط در مورد این گروه می‌گوید: این گروه را عده‌ای اهل کتاب دانستند

چراکه برایشان کتابی بوده سپس نسخ شده و میان رفته. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۱۰) در



کتاب ایضاح الفوائد مرحوم فخر المحققین و همچنین در کتاب سرائر ابن ادریس چنین نوشته شده که من له شبهة الكتاب مجوس (زرتشتی) است. صاحب جواهر و شیخ الطائفة در ذیل من له شبهة الكتاب صابئین را نیز بیان کرده لکن چون در کتب مختلف به آن پرداخته نشده بود گذرا از بحث صابئین عبور شد. ضمناً در خصوص صابئین اقوال مختلف هست برخی این گروه را ستاره پرست برخی ذیل مسیحیت دانسته‌اند. (فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۹۷؛ ابن ادریس، ۱۳۸۷ش، ج ۱۰، ص ۱۱) در خصوص مجوس نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی قائل هستند که مجوس نیز از اهل کتاب است و برخی دیگر قائل هستند که مجوس از اهل کتاب نیست. و منشأ این اختلافات چه بسا بخاطر روایاتی است که حکم مجوس را از یهودی و نصرانی جدا دانسته اما در برخی روایات دیگر با حکم یهودی و نصرانی مشترک‌اند.

صاحب جواهر در خصوص وجه تسمیه من له شبهة الكتاب، بیان می‌دارد:

ممکن است آنچه که اکنون با عنوان کتاب در دست دارند حقیقتاً کتاب آسمانی نباشد چراکه

شنیده شده کتاب هایشان آتش گرفته و از بین رفته.^۱ (محمد حسن بن باقر، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۰)

۲. ۴. سؤر

از آنجایی که قائلین به نجاست یا طهارت ناظر به سؤر کفار مطالبشان را بیان می‌فرمایند. از این رو خوب است توضیحی در خصوص اصل اینکه در اصطلاح به چه چیزی سؤر می‌گویند اشاره‌ای بشود.

چنانچه مرحوم آیت الله خوئی در کتاب فقه الشیعة می‌فرماید، سؤر در اصطلاح فقها عبارت است از مطلق هر چیزی که برخورد مستقیم داشته باشد با بدن حیوان، حالا تفاوتی نمی‌کند آنچه برخورد داشته با بدن حیوان آب بوده یا غیر آب و همچنین تفاوتی نمی‌کند که این تماسی که با بدن حیوان بوده با دهان حیوان برخورد داشته یا غیر دهان حیوان. (آیت الله خوئی،

۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵۷)

۱. «و لعل التعبير بشبهة الكتاب لعدم تحقق ما في أیدیهم الآن من الكتاب بعد ما سمعت من النصوص أنهم أحرقوه أو رفع من بین أظهرهم».



۳. اقوال طرفین

مشهور بین فقها همانطور که آیت الله سید محمد حسین فضل الله فرمودند (اعم از متقدم و متأخر) قول به نجاست اهل کتاب است (فضل الله، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۴۶) و این شهرت به قدری است که مرحوم صاحب جواهر در کتاب معجم فقه الجواهر به نقل از استادشان می‌فرماید: اینکه ما اهل کتاب را نجس می‌دانیم شعار شیعه است که کسی که قائل به این فتوا باشد از علما شیعه است و کسی که قائل به این فتوا نباشد از علما اهل سنت است. (محمد حسن بن باقر، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۲؛ ایوان کیفی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۱۹) و قائل بر این هستند که اجماع فقهای شیعه بر نجاست اهل کتاب است و اسم کتب قائلین اجماع را نیز ذکر می‌کند افرادی چون: صاحب التهذیب، صاحب الانتصار، صاحب الغنیة، صاحب السرائر، صاحب المنتهی.

اما در این بین فقیهانی هستند که قائل به طهارت اهل کتاب شده‌اند که البته در مقایسه با کسانی که قائل به نجاست شده‌اند به قدری تعدادشان کم هست، که ایوان کیفی در کتابش به نام تبصرة الفقهاء چنین بیان می‌کند که: در خصوص اهل کتاب در میان فقهای شیعه اختلاف ضعیفی هست چراکه مشهور فقها قائل به نجاست اهل کتاب شده‌اند و تنها عده اندکی از جمله ابن جنید اسکافی و عمانی و شیخ مفید در کتابی از میان کتبشان قائل به طهارت اهل کتاب شدند، (ایوان کیفی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۴۱۸) در ادامه فقهایی که قائل به نجاست شدند مورد بررسی قرار گرفتند.

۳.۱. قائلین به نجاست اهل کتاب

فقهای بزرگی همچون؛ سید مرتضی، حسینی عاملی (صاحب مفتاح الکرامه)، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن ادریس، شهید اول، شهید ثانی، علامه حلی، ابن زهره، شیخ انصاری، سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروة الوثقی)، علاء الدین حلبی، کاشف الغطاء، سلار دیلمی، ملا احمد نراقی، صیمری، امام خمینی^۱.

۱. سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۸، حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۸، ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۹، مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵ و ص ۵۰۰، شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۰، ابن ادریس، ۱۳۸۷ش، ج ۸، ص ۱۵۷، شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۷۵، شهید ثانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹، علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۵۸، ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴، انصاری، مرتضی بن محمد امین،



۳. ۲. قائلین به طهارت اهل کتاب

فقهای بزرگی همچون؛ ابن ابی عقیل نعمانی، چنانچه از ابن ابی عقیل حکایت شده ایشان قائل به عدم نجاست سؤر یهودی و مسیحی اند. (موسوی گلپایگانی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۰۸)، آیت الله سید محمد حسین فضل الله، ایشان در کتاب فقه الشریعة می فرمایند: از نظر ما این انواع از کفار طاهر هستند هر چند احتیاط مستحب حکم به نجاست این گروه هست. مخصوصاً در خصوص کافری که اساساً اهل کتاب نیست شدت حکم به نجاستش تقویت می یابد. (فضل الله، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۴۶)، ابن جنید اسکافی، در مجموعه فتاوی ابن جنید آمده است: اگر از به کارگیری آنچه ساخته دست اهل کتاب هست اعم از ذبائح و ظروف و همچنین هم غذا شدن با آنها اجتناب شود، مطابق احتیاط است. (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۴) اینکه فرمودند مطابق احتیاط است نشانگر این هست که فتاوی ایشان به نجاست اهل کتاب تعلق نگرفته است. صاحب جواهر نقل می کنند که شیخ مفید در کتابی به نام «غریة» فرموده: استفاده از سؤر یهودی و نصرانی کراهت دارد. این مطلب چه بسا دال بر طهارت اهل کتاب باشد. (صاحب جواهر، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۲) آیت الله نوری همدانی، کفّاری که مانند یهود و نصاری اهل کتاب می باشند ذاتاً پاک می باشند. (نوری همدانی، ۱۳۹۳ش، ص ۴۳)، آیت الله سید علی خامنه ای در کتاب أجوبة الاستفتاءات می فرمایند: نجاست ذاتی برای اهل کتاب مشخص نیست بنابراین اهل کتاب را محکوم به طهارت می دانیم. (خامنه ای، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۲)

۴. ادله طرفین

در این قسمت به بررسی ادله قائلین به نجاست و طهارت اهل کتاب پرداخته شده.

ادله قائلین نجاست اهل کتاب

به طور کلی ادله این گروه خلاصه می شود در سه مطلب. اولاً اجماع فقها، ثانیاً آیه شریفه

۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۰، یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۶، علی بن حسن حلبی، ۱۴۱۴ق، اشاره، ص ۷۹، کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۵۸، سآلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۰، نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۷، صیمری، ۱۳۷۵ش، ص ۴۰۲، خمینی، روح الله، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۱۲۴.



﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ و ثالثاً روایاتی که در این زمینه وارد شده است. که در این بخش این ادله بررسی می‌شوند:

کتاب

شیخ طوسی در تهذیب الأحکام با استناد به آیه شریفه ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ اهل کتاب را نجس می‌شمارند. و می‌فرمایند که طهارت با سؤر کفار جایز نیست. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۲۳) سیدین نیز با استناد به این آیه شریفه قائل به نجاست کفار شده‌اند. (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴)

برای مثال سید مرتضی در کتاب الانتصار می‌گوید آنچه که دلالت می‌کند بر نجاست اهل کتاب علاوه بر اجماع فقهای شیعه، آیه شریفه ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ هست. (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۹)

اشکال: بعید به نظر می‌رسد که نجاست در آیه در معنای حقیقی اش استعمال شده باشد، چراکه آلودگی بول و غائط با نجاست کفار قابل قیاس نیست، چه بسیار کفاری که خوش پوش و خوش بو هستند لذا نجاست حکمی منظور است. یعنی پلیدی باطنی دارند کفار و منظور نمی‌تواند پلیدی ظاهری باشد، چنانکه در اشکال تقریر شد.

لکن سیدین، سید مرتضی در الانتصار و سید بن زهره در غنیة النزوع چنین به اشکال پاسخ می‌دهند که: اولاً: هنگامی که شک داریم در اینکه لفظ در معنای مجازی به کار رفته یا معنای حقیقی، و دست مان از قرینه خالی است، اصل در معنای حقیقی است. پس طبق جاری شدن اصالة الحقیقة مراد همان پلیدی ظاهری است و نجس در معنای حقیقی اش به کار رفته. ثانیاً: بر فرض که بگویید اصالة الحقیقة جاری نمی‌شود نجاست اعم از نجاست ظاهری و باطنی است. (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴؛ علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۹)

اشکال: در آیه شریفه ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ ذات به وسیله مصدر توصیف شده در صورتی که از لحاظ ادبی چنین استعمالی صحیح نیست. بنابراین نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که مشرکان نجس هستند.

پاسخ: درجه معنایی مصدر در هنگامی که به اوجش می‌رسد به بیان دیگر به غرض مبالغه



البته اینجا مبالغه‌ای در کار نیست بلکه حقیقتاً معنای مصدر در ذات، بسیار ظهور و بروز دارد، در چنین حالتی امکان توصیف ذات به وسیله مصدر هست چنانچه مثلاً: زید عدل صحیح است. به این معنا که به قدری عدالت در زید تجلی یافته که اساساً زید همان عدل شده، مظهر و تجلی عدل شده. در آیه شریفه ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ حد نجاست مشرکین به قدری بالاست که یعنی یکی از مظاهر و متجلیات نجاست همان مشرکان‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۲۲)

آیات دیگری که قائلین به نجاست اهل کتاب استفاده می‌کنند: ﴿كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ و ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ * وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾. سید مرتضی، شهید اول در ذکری (شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۷۵)، مرحوم کاشف الغطاء در انوار الفقاهة (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۵۹) و...

لکن فخرالمحققین به این استناد و استدلال سید مرتضی اشکال وارد می‌کند، با این بیان که: اینکه گفته بشود ایمان فقط با اسلام است و کسی که دینی غیر اسلام دارد، ایمان ندارد، درست نیست. به دلیل اینکه: خداوند متعال فرموده است: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾. یعنی؛ عرب‌ها به پیامبر عرض کردند: ایمان آوردیم، خداوند به پیامبر فرمود: به آنها بگو اسلام آوردید، ایمان نیاوردید. (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۷)

اشکال: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ با استفاده از این آیه شریفه معاشرت و ازدواج با اهل کتاب صحیح است بنابراین چه بسا اهل کتاب طاهر هستند که جواز معاشرت با آنان به مسلمانان داده شده.

در پاسخ شیخ طوسی در الخلاف می‌فرمایند: این فرمایش قرآن ناظر به وقتی است که این اهل کتاب اسلام آورده باشند. (موسوی روضاتی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۴۲۳)

بررسی برخی از مصادیق مشرکان که در آیه ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ مراد هستند.

مرحوم کاشف الغطاء در انوار الفقاهة می‌فرماید: یهود گفتند: ﴿عَزَّيْرُ ابْنِ اللَّهِ﴾، و نصاری گفتند (الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ) سپس خداوند باری تعالی فرمود: ﴿تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾. یعنی؛ خداوند منزّه از آنچه به او شرک می‌ورزند. مرحوم کاشف الغطاء علاوه بر دلالت آیات فوق بر شرک یهود و نصاری، نجاست این دو گروه را با استفاده از اخبار زیادی که از معصومین به دست ما



رسیده است تأیید می‌کنند، که ایشان به مواردی اشاره می‌کنند. در خصوص ناصبی هم ایشان قولی دارند که خداوند متعال نجس تر از سگ را نیافرید مگر اینکه ناصبی را آفرید. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۵۹) شیخ انصاری هم به همین دلیل قائل به شرک یهودیان و مسیحیان شده است. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۹۹)

سنت

اما روایاتی که برای نجاست اهل کتاب اقامه می‌کنند، عبارتند از:

۱. روایت اعرج
مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ سُورِ الْيَهُودِيِّ، وَالنَّصْرَانِيِّ فَقَالَ لَا؛ از امام صادق عليه السلام سؤال شد پیرامون پاکی سوره یهودی و مسیحی، در جواب حضرت فرمودند که پاک نیست.

۲. روایت وشاء
وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي يُونُسَ عَنِ الْوَشَاءِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّهُ كَرِهَ سُورَةَ وَلَدِ الزَّانَا وَ سُورَةَ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ وَالْمُشْرِكِ، وَ كُلِّ مَا خَالَفَ الْإِسْلَامَ، وَ كَانَ أَشَدُّ ذَلِكَ عِنْدَهُ سُورَةَ النَّاصِبِ. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳۰؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۲۴)

حضرت اجتناب می‌کردند از سوره ولد الزنا و یهودی و مسیحی و مشرک و هر کسی که مخالف اسلام هست کراهت دارد و شدت اجتناب شون نسبت به سوره ناصبی به مراتب بیشتر بود. در کتاب مستند الشیعه ملا احمد نراقی روایاتی را می‌آورد برای قول به نجاست اهل کتاب: ۳. روایة ابن أبي يعفور:

أخبرني عن ماء الحمام يغتسل منه الجنب و اليهودي و النصراني و المجوسي، فقال: «إن ماء الحمام كماء النهر يطهر بعضه بعضا»؛ آبی که با آن جنب و یهودی و مسیحی و زردشتی استحمام کردند چه حکمی دارد؟ حضرت فرمودند: آب حمام مانند آب رود است که بعضی آن بعضی اش را پاک می‌کند.



کأن با وجود آن یهودی و مسیحی و... آب نجس شده و شخص جنب که نجاست ذاتی ندارد، بنابراین وجه نجس شدن آن بخاطر آن اهل کتابها بوده است.

۴. صحیحہ علی بن جعفر (برادر امام موسی کاظم علیه السلام):

عن النصرانی یغتسل مع المسلم فی الحمام؟ فقال: «إذا علم أنه نصرانی اغتسل بغير ماء الحمام، إلا أن یغتسل وحده علی الحوض فیغسله ثم یغتسل»؛ یک مسیحی همراه یک مسلمان در حمام، استحمام می کنند چه حکمی دارد؟ اگر علم پیدا کرد آن مسلمان که شخص دیگر مسیحی است با آبی غیر از آن آبی که آن مسیحی خود را شسته، خودش را بشوید مگر اینکه نوبتی خود را در حوض شست و شو بدهند نه اینکه همزمان در کنار همدیگر در حوض حمام بروند.

۵. صحیحہ محمد بن مسلم:

عن رجل صافح مجوسیا، قال: «یغسل یدیه و لا یتوضأ»؛ شخصی با یک مجوسی (از مصادیق اهل کتاب) دست داد. حضرت فرمودند: دستش را آب بکشد ولی نیاز نیست که وضو بگیرد.

نشان می دهد که دستش نجس شده با مصافحه با آن مجوسی که حضرت، حکم به تطهیر دستش کردند.

۶. صحیحہ علی بن جعفر از امام موسی کاظم:

قال: سألته عن فراش اليهودی و النصرانی ینام علیه؟ قال: «لا بأس، و لا تصل فی ثيابها، و لا یأکل المسلم مع المجوسی فی قصعة واحدة، و لا یقعده علی فراشه و لا مسجده، و لا یصافحه»؛ خوابیدن روی فرش یا سجاده یک یهودی و مسیحی جایز است؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد. ولی با لباس یک یهودی و مسیحی جواز ندارد نماز خواندن، همچنین جایز نیست غذا خوردن در یک ظرف همراه با مجوسی، و در خصوص مجوسی نشستن بر فرش او هم جایز نیست همچنین مکانی که سجده می کند و دست دادن با او نیز اشکال دارد.

۷. صحیح‌ه علی بن جعفر از امام موسی کاظم:

قال: و سألته عن رجل اشترى ثوبا من السوق للباس لا يدري لمن كان هل تصلح الصلاة فيه؟ قال: «إن اشتراه من مسلم فليصل فيه، و إن اشتراه من نصراني فلا يصل فيهِ حتى يغسله»؛ حضرت فرمودند: اگر از مسیحی لباسی را خریدی جایز نیست با آن لباس نماز بخوانی مگر اینکه آن لباس را تطهیر کنی. چنین مطلبی دال بر نجاست مسیحی است.

۸. عن أبي بصير
أنه قال في مصافحة المسلم لليهودي و النصراني، قال: «من وراء الثياب، فإن صافحك بيده فاغسل يدك»؛ مصافحه و دست دادن با یک یهودی یا مسیحی جایز است؟ حضرت فرمودند: اگر دستشان به همدیگر بخورد باید مسلمان دست خودش را آب بکشد. این روایت نیز بیانگر نجاست یهودی و مسیحی است.

علامه حلی روایاتی را حتی با استفاده از منابع اهل سنت دال بر نجاست اهل کتاب می‌آوردند:

۱. روایت ابی ثعلبه

و ما رواه الجمهور، عن أبي ثعلبة قال: قلت: يا رسول الله، إنا بأرض أهل كتاب أفأكل في آنتهم؟ فقال رسول الله ﷺ: «إن وجدتم غيرها فلا تأكلوا فيها، و إن لم تجدوا غيرها فاغسلوها و كلوا فيها» متفق عليه؛ در سرزمین اهل کتاب از ظروف آنان استفاده بکنیم؟ حضرت فرمودند: اگر ظروفی که متعلق به اهل کتاب نبود و توسط آنان استفاده نمی‌شد را یافتید، در این صورت از ظروف اهل کتاب استفاده نکنید.

لکن اگر فقط ظروف، ظروف اهل کتاب بود در آن اجازه دارید بخورد اما به شرط اینکه ابتدائاً آن را بشوید.

همچنین روایت دیگری از اهل سنت نقل می‌کند:

۲. روایت از پیامبر اکرم

و ما رووه، عنه ﷺ قال: «المؤمن ليس بنجس». اینکه فرمودند مؤمن نجس نیست دلالت

می‌کند بر اینکه پس غیر مؤمن نجس هستند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۲۳)

روایات دیگری را علامه حلی مبنی بر نجاست اهل کتاب نقل می‌فرمایند.



اجماع

ملا احمد نراقی در کتاب مستند الشیعة فی أحكام الشریعة تصریح می‌کند نجاست اهل کتاب مورد اتفاق فقهای است همچون: الصدوقین، و الشیخین و السیدین و الحلیین، و الفاضلین، و الشهدیدین، و الحلّی، و الدیلمی، و الکرکی، و کافّة المتأخّریین. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۷)

شیخ طوسی در کتاب تهذیب الأحکام می‌فرماید علاوه بر آیه شریفه و روایات، اجماع مسلمانان نیز بر نجاست کفار و مشرکین است. (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۲۴)

سید مرتضی، «از جمله اموری که اختصاص به امامیه دارد: قائل شدن به نجس بودن سؤر یهودی و مسیحی و هر نوعی دیگر از اقسام کافر است، و این در حالی است که همه فقها - منظور فقهای اهل سنت (عامه) - با ما مخالف هستند. (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۸)

حسینی عاملی در مفتاح الکرامه می‌فرماید: سؤرهای نجس عبارتند از: سؤر سگ و خوک و کافر هستند به دلیل اجماع. (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۳۸)

شیخ مفید قائل هستند که یهودی‌ها و مسیحی‌ها به اتفاق مسلمانان، کافر محسوب می‌شوند و طهارت گرفتن با سؤر کافر جایز نیست. (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵ و ص ۵۰۰)

در کتاب المراسم فی الفقه الإمامی جناب دیلمی چنین فرمودند که:

طعام نجس دو نوع دارد: یا اینکه به واسطه برخورد کفار با آن نجس شده یا آنکه بخاطر وقوع نجاست در آن نجس شده. مورد اول یعنی طعامی که در اثر برخورد با کفار نجس شده در هر صورت حرام است. و بنا بر همین است که اصحاب از چنین طعامی هر نوعی از انواع کفار با آن در تماس بوده، اجتناب می‌کردند و نمی‌خوردند. (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۰)

ادله قائلین طهارت اهل کتاب

کتاب

با استفاده از آیه شریفه «وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ» فهم می‌شود که اهل کتاب طاهر هستند چرا که معنای آیه چنین می‌شود که: غذا و سؤر کسانی که اهل کتاب هستند برای شما مسلمان حلال است و جواز استفاده دارد.

اما سیدین مرتضی و زهره نسبت به این استدلال قائلین به طهارت اهل کتاب اشکال وارد



می‌کنند: اولاً: مراد از طعام وقتی که به صورت مطلق استعمال می‌شودد گندم است و از این جهت هست که اکل آن اشکالی ندارد و حلال است یعنی مقصود خوک و خمر که غالباً اهل کتاب می‌خورند نیست بلکه گندم است. علامه حلی به نقل از صاحب‌المجمل می‌گویند برخی لغویان، طعام را منحصر در گندم می‌دانند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۴). ثانیاً: طعام غیر سؤره اهل کتاب است. معنای آیه چنین است: اگر طعامی از اهل کتاب بگیری با دو قید که اولاً: گندم باشد ثانیاً: باقی مانده غذایشان نباشد یعنی با بدن آنها در تماس نبوده باشد در این صورت استفاده‌اش برای شما جایز است. ثالثاً: درست است که این آیه عمومیت دارد در حلیت لکن آیه «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» این آیه را تخصیص می‌زند، لذا اولاً طعام اهل کتاب حلال است لکن به قرینه آیه انما المشركون نجس طعام اهل کتاب که معمولاً خوک و خمر است یا اینکه معمولاً با بدن آنها تماس دارد نجس و حرام است. (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۹)

البته با بیانی که مرحوم کاشف الغطاء ذیل این آیه فرموده‌اند، اشکال سیدین به استدلال فائلین به اهل کتاب روشن تر می‌گردد: از طرفی آیه شریفه «وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ» دلالت بر طهارت اهل کتاب می‌کند لکن طرفی دیگر مخصص دارد که «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ»، طریق جمع این است که: آیه «وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ» صرفاً ناظر به اطعمه‌ای است که با مشرکان در تماس نیست. بنابراین طهارت سؤره و خود مشرکان و کفار اثبات نمی‌شود بلکه نجس‌اند.

سنت

۱. روایت عمار ساباطی

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ هَلْ يَتَوَضَّأُ مِنْ كُوزٍ أَوْ إِنَاءٍ غَيْرِهِ إِذَا شَرِبَ عَلَى أَنَّهُ يَهُودِيٌّ فَقَالَ «نَعَمْ» قُلْتُ فَمِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ الَّذِي يَشْرَبُ مِنْهُ قَالَ «نَعَمْ». (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۲۴)

آیا وضو گرفتن با آب داخل ظرفی که یهودی از آن نوشیده صحیح است؟ حضرت فرمودند: بله. راوی می‌گوید تکرار کردم: از همان آبی که سؤره یهودی می‌باشد؟ حضرت فرمودند: بله.

لکن شیخ طوسی می‌گویند این روایت دال بر طهارت اهل کتاب نمی‌کند چراکه این روایت



حمل می‌شود بر اینکه کسی که یهودی بوده، سائل علم به یهودی بودنش نداشته در چنین صورتی که نمی‌دانسته آن شخص یهودی است مشکلی ندارد چراکه تا قطع به یهودی بودنش نباشد حکم به نجاستش نمی‌شود. این یک محمل هست برای این روایت. یا اینکه بگوییم این یهودی‌ای که مورد سؤال سائل بوده یک یهودی‌ای بوده که اسلام آورده اما چون سابقاً یهودی بوده سائل دین این شخص را نسبت به عقبه‌اش که یهودی بوده پرسیده. و شیخ طوسی ادامه می‌دهند که حکم نسبت به کسی که علم داریم نسبت به یهودی بودنش همان است که در روایات قبلی بیان شد، یعنی؛ حکم به نجاست‌شان می‌کنیم.

۲. روایة إسماعیل بن جابر

قال: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما تقول في طعام أهل الكتاب؟ فقال: لا تأكلوا، ثم سكت هنيهة، ثم قال: لا تأكله، ولا تتركه تقول: إنه حرام، ولكن تتركه تنزهاً عنه؛ إن في آنتهم الخمر و لحم الخنزير».

غذای اهل کتاب چه حکمی دارد؟ حضرت فرمودند: از غذای آنها نخورید، سپس سکوتی آرام کردند و فرمودند از آن نخورید و آن را ترک نکنید. شاید برای تعلیل که ظروف را رها کنید اینطور فرمودند: چراکه در ظروف آنان (معمولاً) خمر و گوشت خوک است.

وجه طهارتی که می‌توان یافت نسبت به اهل کتاب این است که ظروف آنان که نجس است و حضرت نسبت به آن اجتناب می‌فرمودند از باب این بود که در آن نجاساتی مانند گوشت خوک و خمر بوده است نه از این جهت که با اهل کتاب در تماس بوده.

۳. مصححة ابن مسلم

«لا تأكلوا في آنتهم إذا كانوا يأكلون فيها الميتة و الدم و لحم الخنزير».

از ظروف اهل کتاب نخورید هنگامی که در آن ظروف مردار یا خون یا گوشت خوک خورده‌اند. از این روایت نیز اینطور فهم می‌شود که وجه اجتناب از ظروف اهل کتاب، خود اهل کتاب نیستند بلکه بخاطر آنچه که داخل ظرف بوده نهی فرمودند.

۴. روایة زکریا بن ابراهیم



قال: «كنت نصرانياً وأسلمت، فقلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن أهل بيتي على دين النصرانية، فأكون معهم في بيت واحد و أكل من آتيتهم؟ فقال: يأكلون لحم الخنزير؟ قلت: لا، قال: لا بأس»؛ کسی نزد حضرت آمد و عرض کرد: مسیحی بودم و اسلام آوردم. اما همچنان خانواده ام بر دین مسیحی مانده‌اند و من با آنها در یک خانه زندگی می‌کنم، آیا جایز است از ظرفی که آنان می‌خورند، استفاده بکنم؟ حضرت سؤال کردند: آیا در ظروف گوشت خوک می‌خورند؟ مسیحی تازه مسلمان شده عرض کرد: خیر. حضرت هم فرمودند: بنابراین اشکالی ندارد که از آن ظرف‌ها تو نیز استفاده بکنی.

از مفاد این روایت نیز برداشت می‌شود آنچه موجب اجتناب از ظروف اهل کتاب است، محتوای داخل ظرف که گوشت خوک و خمر باشد است نه خود اهل کتاب. بنابراین متوجه می‌شویم که اهل کتاب نجس نیستند.

۵. روایة ابراهیم بن ابي محمود

قال: «قلت للرضا عليه السلام: الجارية النصرانية تخدمك و أنت تعلم أنها نصرانية لا تتوضأ و لا تغتسل من جنابة؟ قال: لا بأس، تغسل يديها»؛ کسی به حضرت رضا عليه السلام عرض کرد: کنیزی مسیحی که خدمت شماست، شما می‌دانید که مسیحی اما وضو نمی‌گیرد و غسل هم نمی‌کند. حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

۶. صحیحة ابن سنان

«إني أُعير الذمي ثوباً و أنا أعلم أنه يشرب الخمر و يأكل لحم الخنزير، ثم يرده عليّ، فأغسله قبل أن أُصلي فيه؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: صلّ فيه و لا تغسله من أجل ذلك؛ فإنك أعرته إياه و هو طاهر و لم تستيقن أنه نجسه، فلا بأس أن تصلي فيه حتى تستيقن أنه نجسه»؛ به کافری ذمی لباسی را عاریه دادم و می‌دانم که او شراب می‌نوشد و گوشت خوک می‌خورد، بعد از مدتی لباس را به من بازگرداند، سؤال این است که پیش از آنکه نماز بخوانم باید آن لباس را بشویم؟ حضرت فرمودند: با همون لباسی که عاریه دادی و بهت پس داده نماز بخوان و نیازی نیست که لباس را از آن جهت که او اهل کتاب بوده است بشویی. چراکه تو عاریه داده‌ای لباس را به



آن کافر ذمی که او طاهر است و یقین نداری که او این لباس را نجس کرده یا نه، بنابراین اشکالی ندارد که در آن نماز بخوانی مگر اینکه یقین داشته باشی که آن اهل کتاب این لباس را نجس کرده است.

طبق این روایت کاملاً تصریح دارند حضرت امام صادق علیه السلام که: «هو طاهر» یعنی آن کافر ذمی که ممکن است یهودی یا مسیحی باشد، پاک است.

۷. مصحّحة ابن خنیس

«لا بأس بالصلاة في الثياب التي يعملها النصراني و المجوس و اليهود».

این روایت دال بر عدم نجاست اهل کتاب است. چراکه حضرت فرمودند: نماز خواندن با لباسی که توسط مسیحی و مجوسی و یهودی استفاده شده است جایز است.

۸. روایة أبي جميلة

«عن ثوب المجوسي ألبسه و أصلي فيه؟ قال: نعم، قلت: يشربون الخمر؟ قال: نعم، إننا نشري الثياب السامرية و نلبسها و لا نغسلها»؛ سؤال شد از لباسی که یک مجوسی آن را استفاده می‌کرده، آیا می‌توانم آن را بپوشم و با آن نماز بخوانم؟ حضرت فرمودند: بله. راوی می‌گوید: عرض کردم، شراب می‌نوشد آن مجوسی. حضرت فرمودند: بله مشکلی ندارد. ما اهل بیت لباس‌های سامریه (ظاهراً مقصود لباس‌های مجوسی هاست) خریداری می‌کنیم و آن لباس‌ها را می‌پوشیم و نمی‌شویم.

علاوه بر قول معصوم، اینجا فعل معصوم نیز هست که دلالت بر عدم نجاست اهل کتاب دارد.

۹. مصحّحة ابن أبي محمود عن مولانا أبي الحسن الرضا علیه السلام:

«الخطا و القصار يكون يهودياً أو نصرانياً و أنت تعلم أنه يبول و لا يتوضأ، ما تقول في عمله؟ قال:

لا بأس».

شیخ انصاری بعد از اینکه تمامی این روایات و چه بسا روایات متعدد دیگری که دال بر طهارت هستند را قبول می‌کنند اما می‌فرمایند که بخاطر دو مطلب نمی‌توانیم این روایات را بپذیریم و حمل بر طهارت اهل کتاب کنیم. ایشان در نقد روایات این باب می‌گویند: اولاً: این اخبار - که دال بر طهارت اهل کتاب هستند - موافق نظر عامه (اهل سنت) می‌باشند. ثانیاً: اجماع فقهای شیعه موافق نظر نجاست اهل کتاب هست بنابراین اگر ما بخواهیم این روایات را



حمل بر طهارت اهل کتاب کنیم در حقیقت از نظر اجماع فقهای شیعه دور شده ایم و نظر اجماعی فقهای اهل سنت را جلب کرده ایم که این مسئله خلاف رشد است. بنابراین این روایات را نیز حمل بر نجاست اهل کتاب می‌کنیم که مطابق اجماع فقهای شیعه نظر داده باشیم. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۹۹ تا ۱۰۹)

براءة

بعد از دو دلیل فوق یعنی کتاب و اخبار، از جمله دلایل دیگری که مبنی بر طهارت اهل کتاب می‌آورند چنانچه صاحب الأنوار البهیه می‌فرماید: «فان مقتضى الأصل فيه هي الطهارة بمقتضى قاعدتها في أن كل شيء شك في طهارته و نجاسته يحكم بطهارته». به این معنا که مقتضای اصل در خصوص کتابی (اهل کتاب) طهارت است. و قاعده طهارت به این ترتیب هست که، هر آنچه که شک کردی که طاهر است یا نجس محکوم به طهارت است. چون اولاً آیاتی که دو طرف به آن استناد کردند محل خدشه شد و به شیوه استدلال کردن به آیات هر طرف، نقدهایی وارد کردند، روایات نیز متعارض یکدیگر شدند، نهایتاً اجماع باقی ماند در طرف استدلال قائلین به نجاست اهل کتاب که کاشف از قول معصوم نشد چراکه بزرگانی چون شیخ مفید در رساله غریه و ابن جنید در مجموعه فتاوی‌شان احتیاط دادند و فتوای به نجاست اهل کتاب ندادند. و از آنجایی که نزد امامیه اجماع حجیت ذاتی ندارد بلکه حجیتش طریقی است و هنگامی که کاشف از قول معصوم بشود حجیت است، بنابراین در بحثی که گذشت چون از اجماع بزرگانی از فقها خروج کرده بودند لذا حجیتش ساقط است و کاشف نیست. نهایتاً حیرت به مکلف عارض می‌شود که تکلیفی زائد نسبت به اهل کتاب بر گردنش هست یا نیست، که اصل عملی برآءه برایش جاری می‌شود.

۵. جمع‌بندی

چنانچه در سیر مقاله گذشت، ابتدا قائلین به نجاست اهل کتاب مطرح شدند، و به اصلی‌ترین ادله آنان پرداخته شد. ابتدا ادله قرآنی ذکر کردند که معظم آنها ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ بود. که البته اشکالاتی بر آن استدلال وارد شد مانند اینکه احتمال دارد معنای حقیقی نجس، مراد نباشد بلکه منظور پلیدی باطنی باشد یا اشکال دیگر اینکه توصیف کردن ذات به وسیله مصدر میسر



نیست. و جواب‌هایی به این اشکالات داده شد مثل اینکه حقیقت نجس اعم از باطنی و ظاهری است. اما جواب به اشکال دوم شاید صرفاً ادعایی باشد. اینکه مثال آیه، مثال زید عدل است که در عین حال مبالغه در کار نیست بلکه شدت نجاست مشرکین به قدری هست که گویا مظهر و تجلی نجس هستند، نیازمند دلیل جداگانه است. بنابراین اشکال به استدلال قائلین به نجاست اهل کتاب همچنان باقی است.

بعد از استدلال به کتاب، از روایات کمک گرفتند که همانقدر که روایات در خصوص نجاست اهل کتاب هست به همان میزان بلکه بیشتر مشاهده شد که در طرف مقابل یعنی طهارت اهل کتاب، روایت هست. بنابراین به وسیله استدلال به اخبار نیز نمی‌تواند نجاست اهل کتاب اثبات بشود.

آخرین استدلالی که از قائلین به نجاست اهل کتاب مطرح شد، اجماع بود، که این اجماع نیز محل خدشه است. چراکه، اولاً؛ برخی فقها از فتوای به نجاست عدول کردند و احتیاط کردند مانند ابن جنید اسکافی و ثانیاً برخی دیگر از فقها مانند شیخ انصاری که فتوای به نجاست دادند از باب فی خلافهم رشد بوده است به این معنا که همانقدر که قول به نجاست اهل کتاب، اجماع امامیه بوده است، قول به طهارت اهل کتاب، اجماع اهل سنت بوده است. بنابراین؛ کسی از فقهای امامیه فتوای به طهارت نمی‌داده است، چون اینطور گویا از شعار شیعه عدول می‌کرده و مطابق اجماع اهل سنت فتوا می‌داده، بنابراین نمی‌تواند این اجماع کاشف از قول معصوم باشد لذا حجیت آن ساقط است.

در مقابل قائلین به طهارت اهل کتاب هم ابتدا استدلال به آیه شریفه ﴿وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ﴾ داشتند که اشکالاتی من جمله وجود تخصیص بر این آیه هست. به این صورت که «انم المشرکون نجس» تخصیص این آیه است و نهایتاً این آیه شریفه دلالت می‌کند بر حلیت و جواز طعامی که تماس با اهل کتاب نداشته است، که در این صورت با این آیه شریفه، طهارت سؤراهل کتاب و خود اهل کتاب اثبات نمی‌شود.

بعد از کتاب، به روایات استناد می‌کنند که اهل کتاب طاهر هستند لکن چنانچه عرض شد روایات متعارض نیز دارد، بنابراین با اخبار نیز طهارت اهل کتاب اثبات نمی‌شود.



نهایتاً اصل عملی براءة باقی می ماند که هنگامی که نسبت به تکلیفی زائد شک باشد که ذمه مشغول آن شده است یا خیر، تکلیف از گردن ساقط است. بنابراین مطابق اصل عملی براءة حکم به طهارت اهل کتاب می شود.





فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۳۸۷ ش). *موسوعة ابن ادریس الحلی (كتاب السرائر)*. قم، دلیل ما.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳ ش). *من لایحضره الفقیه*. قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۳. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق). *مجموعه فتاویٰ ابن الجنید*. قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۴. ابن زهره، حمزة بن علی (۱۴۱۷ ق). *غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع*. قم، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). *معجم مقاییس اللغة*. قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ ق). *كتاب الطهارة*. قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذكری المئوية الثانية لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری.
۷. ایوان کیفی، محمدتقی بن عبدالرحیم (۱۴۲۷ ق). *تبصرة الفقهاء*. قم، مجمع ذخائر اسلامی.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق). *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام*. مشهد، آستانة الرضویة المقدسة. مجمع البحوث الإسلامیة.
۹. _____ (۱۴۱۶ ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۱۰. حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد (۱۴۱۹ ق). *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*. قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۱. حلبی، علی بن حسن (معروف به علاء الدین حلبی) (۱۴۱۴ ق). *إشارة السبق*. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.



١٢. خامنه‌ای، علی (١٤٢٠ ق). *أجوبة الاستفتاءات*. بيروت: الدار الإسلامية.
١٣. خمینی، روح الله (١٣٩٢ ش). *تحریر الوسيلة*. تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني.
١٤. خوئی، سید ابوالقاسم (١٤١٨ ق). *فقه الشیعة (کتاب الطهارة)*. قم: مؤسسة الآفاق.
١٥. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت، دار القلم، چاپ اول.
١٦. سآلار دیلمی، حمزة بن عبد العزیز (١٤٠٤ ق). *المراسم في الفقه الإمامی*. قم، منشورات الحرمین.
١٧. شهید اول، محمد بن مکی (١٤٣٠ ق). *موسوعة الشهيد الأول (کتاب ذکر الشیعة في أحكام الشریعة)*. قم، مکتب الأعلام الإسلامی في الحوزة العلمیة. قم المقدسة. معاونیة الابحاث. مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیة.
١٨. شهید ثانی، زین الدین بن علی (١٣٨٠ ش). *روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان*، قم، بوستان کتاب قم (مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی).
١٩. _____ (بی تا). *الروضة البهیة في شرح اللمعة الدمشقیة (٢ جلدی)*، (بی نا)
٢٠. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (١٤١٧ ق). *معجم فقه الجواهر* بیروت، دار الغدیر للطباعة و النشر و التوزیع.
٢١. _____ (بی تا). *جواهر الكلام*. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٢٢. صیمری، مفلح بن حسن (١٣٧٥ ش). *كشف الإلتباس عن موجز أبي العباس*. قم، مؤسسة فرهنگي صاحب الأمر عنه السلام رضي الله عنه
٢٣. طباطبای قمی، تقی (١٤٢٣ ق). *الأنوار البهیة في القواعد الفقهیة*. قم، محلاتی.
٢٤. طوسی، محمد بن حسن (١٣٦٥ ش). *تهذیب الأحكام*. تهران، شرح و ترجمه دار الکتب الإسلامیة.
٢٥. _____ (١٣٨٧ ق). *المبسوط في فقه الإمامیة*. تهران، مکتبة المرتضویة.
٢٦. _____ (١٤٠٠ ق). *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت، دار الكتاب العربی.
٢٧. عسکری، حسن بن عبدالله (بی تا). *الفروق في اللغة*. بیروت، دار الافاق الجدیة، چاپ اول.



۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). *منتهی المطلب في تحقیق المذهب*. مشهد، آستانة الرضویة المقدسة. مجمع البحوث الإسلامیة.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء*. قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۳۰. علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۵ ق). *الإنتصار*. قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۳۲ ق). *تفصیل الشریعة (الطهارة)*. قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار عليه السلام.
۳۲. فخر المحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). *ایضاح الفوائد في شرح إشکالات القواعد*. قم، اسماعیلیان.
۳۳. فضل الله، محمد حسین (۱۴۳۲ ق). *فقه الشریعة*. بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۴. کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲ ق). *أنوار الفقاهة*. نجف اشرف، مؤسسة کاشف الغطاء العامة.
۳۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۶۴ ش). *المعتبر في شرح المختصر*. قم، شرح و ترجمه مؤسسة سید الشهداء عليه السلام.
۳۶. مروج، حسین (۱۳۷۹ ش). *اصطلاحات فقهی*. قم، بخشایش.
۳۷. موسوی روضانی، احمد (۱۴۳۲ ق)، *إجماعات فقهاء الإمامیة*. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۸. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۳۷۱ ش). *حياة ابن ابی عقیل العمانی و فقهه*. قم، السید شرف الموسوی.
۳۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق). *مستند الشیعة في أحكام الشریعة*. قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۰. نورى همدانى، حسین (۱۳۹۳ ش). *توضیح المسائل*. قم، مهدی موعود عليه السلام.



٤١. هاشمی شاهرودی، محمود (١٣٨٢ ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
٤٢. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم (١٤٢١ ق). العروة الوثقی. قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.

